

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" اثر منوچهر احترامى

دکتر حسين خسروى،^۱ سميرا رئيسى^۲

چکیده

منوچهر احترامى از مشهورترين شاعران کودک و طنزنويسان معاصر است. وي در سال ۱۳۲۰ شمسى در تهران متولد شد و در بهمن ماه ۱۳۸۷ درگذشت. چهار کتاب داستان، چهل و سه دفتر شعر و مجموعاً چهل و هفت اثر از خود به يادگار نهاده است. احترامى با توجه به آثار مختلفى که دارد به عنوان يک نويسنده جدى در زمينه ادبيات کودکانه مطرح است.

مشهورترين اثر احترامى در زمينه ادبيات کودکانه "حسنى نگو يه دسته گل" نام دارد که در اين مقاله مورد بررسى قرار گرفته است. نويسنده اصل اين داستان را که در متل‌هاى قديمى وجود داشته با مسائل روز درآميخته و به صورت شعر کودکانه در قالب آزاد (نيمايى) درآورده است. محتوای این کتاب که برای گروه‌های سنی "الف" و "ب" چاپ شده، شعر تعليمى است و نويسنده در آن برای تأثيرگذارى بيش تر روى کودکان، نکات تربيتى را به صورت غير مستقيم آموزش داده است. کليدواژه‌ها: ادبيات کودکانه، گروه سنى، حسنى نگو يه دسته گل، منوچهر احترامى.

h_khosravi@iaushk.ac.ir

۱. دانشيار زبان و ادبيات فارسى دانشگاه آزاد اسلامى واحد شهرکرد.

۲. دانش‌آموخته زبان و ادبيات فارسى دانشگاه آزاد اسلامى واحد شهرکرد.

تاريخ پذيرش: ۱۳۹۰/۴/۱

تاريخ وصول: ۱۳۸۹/۱۲/۱

مقدمه

منوچهر احترامی، طنزنویس مشهور معاصر است، وی متولد شانزدهم تیرماه سال ۱۳۲۰ ه.ش. در تهران است. او در خانواده‌ای روحانی تبار رشد کرد. در سال ۱۳۲۴ یا ۱۳۲۵ به مکتب‌خانه رفت و پس از آن وارد دبستان شد. احترامی از کودکی به واسطه بستگان خود که در تئاتر کار می‌کردند، با تئاتر و بازیگری آشنا شد. «تحصیلات دوره دبیرستان را در رشته ادبی مدرسه مروی و دارالفنون تهران گذراند و تحصیلات عالی را در رشته حقوق قضایی در دانشگاه تهران ادامه داد. کار مطبوعات را از سال ۱۳۳۷ در هفته‌سالگی با سرودن شعر برای مجله توفیق شروع کرد» (باقری، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

منوچهر احترامی از دوره جوانی علاقه‌مند بود که در حوزه ادبیات کودکان کار کند و از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ به بیان موضوعات و مسائل کودکان در قالب طنز پرداخت. از سال ۱۳۴۵ به بعد علاوه بر مطبوعات در رادیو، تلویزیون، سینما و نویسندگی نیز فعالیت داشت. پس از همکاری با مجله توفیق با بسیاری از نشریات کشور مثل درنگ، آهنگر، تهران مصور، فردوسی و گل آقا همکاری کرد.

«سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ کار برای کودکان رونق داشت. در آن زمان فعالیت در عرصه کودکان به دلایلی راحت بود. راحت‌ترین چیزی که بچه‌ها به آن دسترسی داشتند کتاب بود. منوچهر احترامی در خیل آدم‌هایی که به سراغ کار کودکان رفتند به این کار روی آورد» (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۷). وی در مصاحبه‌ای می‌گوید: «سال ۶۱ در واقع [آغاز] ورود من به عرصه کار کودک [است] که محصول رکود شدید کار روزنامه‌نویسی در سال‌های آغاز دهه شصت بود. فترت کار روزنامه مرا به طرف نوشتن برای بچه‌ها سوق داد و طبیعی بود که از تخصصی که در زمینه طنز داشتم، برای نوشتن در حوزه کودک [استفاده کنم]» (ظریفی، ۱۳۸۳: ۱۱). احترامی قریب به نیم‌قرن در حوزه‌های گوناگون اعم

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۳۳

از طنز، کودکان، راديو و مطبوعات فعاليت داشت و حاصل آن کتاب‌هاى بسيارى است که براى کودکان و بزرگسالان تأليف و ترجمه کرده است.

غلام‌على لطيفى به عنوان تصويرگر و کارىکاتوريست حرفه‌اى در بسيارى از آثار احترامى با او همکارى داشت. «کارهاى لطيفى بيش تر با خطوط اسليمى است و زاويه کم ترى دارد و علاوه بر قلم‌گيرى بى نظيرى که دارد و هنوز با قلم فلزى و مرکب کار مى‌کند، در فضاى‌سازى‌ها، پرسپکتيو و انتخاب رنگ‌ها نيز مهارت فوق‌العاده دارد... احترامى با تصويرگران ديگرى هم کار کرده است ولى استقبال او از کارهاى لطيفى بيش تر بوده است. به عنوان مثال کتاب "سليمون بابا سليمون" را آقای محمدحسين ارباب تهرانى تصويرسازى کردند و با وجود اين که ريتم اين کار از همه کارها بهتر شده بود و خيلى روى آن کار کرده بود ولى استقبال از اين کار به اندازه کارهاى قبلى نبود» (ده‌بزرگى، ۱۳۸۷: ۶۵). احترامى کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" را در سال ۱۳۶۱ نوشت. اين کتاب «در سال ۱۳۶۹ با هزار مشکل مواجه شد و وزارت ارشاد آن زمان حاضر نبود تا مجوز کتاب را تمديد کند به اين دليل که از نظر عروضى و کلمات ايراد داشته و بنا بر نظر مسئولان، زبان بچه‌ها را خراب مى‌کرده است» (رهبر، ۱۳۸۴: ۱۲).

کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" از سال ۱۳۶۱ تا اکنون بارها چاپ شده است و هم‌چنان يکى از محبوب‌ترين کتاب‌هاى کودکان به‌شمار مى‌رود. دليل اين که آثار احترامى از جمله: حسنى نگو يه دسته گل، خروس نگو يه ساعت، خرس و کوزه عسل، دزده و مرغ فلفلى، ده تا جوجه رفتن تو کوجه، حسنى ما يه بره داشت و گربه من نازناز يه؛ کهنه نمى شوند اين است که نويسنده کوشيده در آن‌ها مطالب را متناسب با روحيات و ذهنيات مخاطبان ارائه دهد. خود او در مصاحبه‌اش با مجله فرهنگ و هنر دليل محبوبيت آثارش را اين گونه بيان کرده است: «فضاهى اين داستان‌ها فضاهى ماندگار و ايده‌هاى آن‌ها چيزى فراتر از ايده‌هاى روز است و در مورد خصلت‌هاى ثابت آدم‌هاست که تغيير

نمی‌کنند. وجود شخصیت‌هایی مثل مادر بزرگ یا پرداختن به روابط خانوادگی، این‌ها چیزهایی است که در ناخودآگاه بچه‌ها جا افتاده و سوژه و مسأله‌ای نیست که امروز برای مخاطب کشش داشته باشد و فردا نه. همین باعث می‌شود که این کارها از مرز زمان بگذرند» (همان: ۶۹).

«هیچ‌گزارف نیست اگر منوچهر احترامی را پیرِ طنز ایران بنامیم. نیم‌قرن سابقه طنزنویسی حرفه‌ای، همکاری مستمر با نشریات گوناگون و تسلط بر انواع نظم و نثر کهن و معاصر فارسی، او را بدل به صاحب نظری بی‌بدیل در زمینه طنز کرده است» (بوستان، ۱۳۸۶: ۶۴). احترامی به عنوان طنزنویس اسامی مستعاری داشته از جمله: "الف. اینکاره"، "م. پسر خاله"، "پورنگ"، "م. وقایع‌نویس". این طنزنویس توانا، شاعر خوش‌ذوق و داستان‌نویس بزرگ که پنجاه سال از زندگی‌اش را صرف نوشتن برای مردم ایران کرد، در سه‌شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۸۷ بر اثر نارسایی قلبی در یکی از بیمارستان‌های تهران دیده از جهان فرو بست.

آثار احترامی

۱. مجموعه اشعار ضد طاغوتی اباذر مزدک (۱۳۵۸ ه.ش)، انتشارات آزادی، ۲. اتل
۳. حسی نگو به دسته گل (۱۳۶۱)، انتشارات
۴. خروس نگو به ساعت (۱۳۶۳)، انتشارات لاک پشت، ۵. نگاه کنین بچه‌ها
۶. روپاه ناقلا (۱۳۶۳)، انتشارات
۷. کرم ابریشم (۱۳۶۳)، انتشارات لاک پشت، ۸. دزده و مرغ فلفلی (۱۳۶۴)،
۹. ده تا جوجه رفتن تو کوچه (۱۳۶۴)، انتشارات لاک پشت،
۱۰. آی قصه قصه قصه (۱۳۶۵)، انتشارات دهداری، ۱۱. حسی ما به بره داشت (۱۳۶۶)،
۱۲. گربه من نازنازیه (۱۳۶۶)، انتشارات لاک پشت، ۱۳. شغال‌گنده

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۳۵

(۱۳۶۶)، انتشارات دهدارى ۱۴. خرس و كوزهٔ عسل (۱۳۶۸)، انتشارات لاك پشت
۱۵. سليمان بابا سليمان (۱۳۶۸)، انتشارات گزارش ۱۶. يه صحراگل يه دنياگل (۱۳۶۹)،
انتشارات گزارش ۱۷. اى خردمند عاقل و دانا (۱۳۷۰)، انتشارات گزارش ۱۸. نيمكت
سفيد (۱۳۷۱)، انتشارات گزارش ۱۹. يك باغ دارم خيلى قشنگ (۱۳۷۲)، انتشارات
گزارش ۲۰. آدم برفى نديدى؟ (۱۳۷۲)، انتشارات گزارش ۲۱. گربهٔ سياه كوچولو و پرنده
(۱۳۷۴)، انتشارات گزارش ۲۲. من گم شدم آى بچه‌ها (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش
۲۳. موش موشى (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش ۲۴. رنگ رنگ رنگ آميزى (۱۳۷۵)،
انتشارات گزارش ۲۵. زنبورا به دنبال شما (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش ۲۶. فيل اومد آب
بخوره (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش ۲۷. يك تيغ ريز با نوک تيز (۱۳۷۵)، انتشارات
گزارش ۲۸. از آسمون صدا مياد (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش ۲۹. بين شنا چه آسونه
(۱۳۷۵)، انتشارات گزارش ۳۰. پرير زنان مى‌رم به سفر (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش
۳۱. جاى پاى گرگ (۱۳۷۵)، انتشارات گزارش ۳۲. يه روز بچه خرگوش (۱۳۷۶)،
انتشارات گزارش ۳۳. حسن كچل و سه بزغاله (۱۳۷۷)، انتشارات گزارش ۳۴. عروسى
خاله سوسكه و آقا موشه (۱۳۷۷)، انتشارات گزارش ۳۵. جامع الحكايات (۱۳۷۸)،
انتشارات گل آقا ۳۶. دويدم و دويدم (۱۳۷۸)، انتشارات لاك پشت ۳۷. حسنى باباش يه
باغ داره (۱۳۷۹)، انتشارات گزارش ۳۸. موش دم‌پريده (۱۳۷۹)، انتشارات گزارش
۳۹. مهمان ناخوانده (۱۳۸۰)، انتشارات گزارش ۴۰. حسنى و گرگ ناقلا (۱۳۸۱)،
انتشارات گزارش ۴۱. بچه‌ها من هم بازى (۱۳۸۲)، انتشارات گل آقا ۴۲. گردن كلفتى
(۱۳۸۵)، انتشارات شهر ۴۳. مثل كنه چسبیدن (۱۳۸۵)، انتشارات گل آقا ۴۴. طنز در
ادبيات تعزیه (۱۳۸۵)، انتشارات سورهٔ مهر ۴۵. كى بود رفت زير ميز؟ (۱۳۸۵)،
انتشارات گل آقا ۴۶. طنزآوران امروز ايران (۱۳۸۷)، انتشارات سورهٔ مهر ۴۷. سبيل بابا
ناميزونه (۱۳۸۹)، انتشارات گل آقا.

از کلّ چهل و هفت اثر احترامی، چهار کتاب به صورت داستان و چهل و سه دفتر به صورت شعر منتشر شده است. چهار کتاب داستان احترامی عبارتند از: "پریر زنان می‌رم به سفر"، "جامع‌الحکایات"، "گر به سیاه کوچولو و پرنده"، "یک تیغ ریز با نوک تیز". آثار احترامی «آن قدر صمیمی‌اند که خواننده تصور می‌کند نویسنده فقط گزارش‌گر صادقی است که حرف‌ها و کارهای بچه‌ها را ثبت کرده است. او این توفیق بزرگ را داشت که خود را از چشم‌ها پنهان کند و خواننده را مستقیم به دنیای تماشایی کودکان ببرد» (امینی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). احترامی در سال ۱۳۸۶ به خاطر جلد دوم و سوم کتاب "بچه‌ها، من هم بازی" برنده جایزه جشنواره کتاب سال "سلام بچه‌ها" و "پوپک" شد.

شناسنامه کتاب مورد بررسی

نام کتاب: حسنی نگویه دسته گل

نویسنده: منوچهر احترامی

مترجم: _____

تصویرگر: کیانوش لطیفی

ویراستار: _____

بازنویس: _____

ناشر: هنرور

شابک: ۹۶۴-۷۵۸۶-۰۸-۶

شمارگان: ۶۰۰۰۰۰ جلد

سال چاپ: ۱۳۸۲

محل چاپ: تهران

قیمت: ۵۰۰ تومان

خلاصه داستان "حسنى نگو يه دسته گل"

توى ده شلمرود بچه‌اى زندگى مى‌کرد به نام حسنى. او به حرف پدر گوش نمى‌داد و حمام نمى‌رفت و موهاى خود را اصلاح نمى‌کرد. بچه‌اى بود تنها و تنبل با موهاى بلند و صورت سپاه و كثيف و به همين دليل كسى با او دوست نمى‌شد؛ نه كره الاغ، نه غاز، نه مرغ و جوجه‌ها و نه دوستانش. وقتى حسنى ديد كسى به او توجهى نمى‌كند، به حرف پدر گوش داد. موهايش را اصلاح كرد و به حمام رفت تا تميز شود. بعد از آن همه دور او حلقه زدند و با او دوست شدند.

گروه سنى

كودكان براساس نيازها و رغبت‌هاى سنى خود كتاب را انتخاب مى‌كنند زيرا كودك براى مطالعه به كتابى رغبت دارد كه با نيازهاى روحى و جسمى او متناسب باشد. بر همين اصل كودكان و نوجوانان را براساس نوع نيازهاىي كه دارند به پنج گروه سنى تقسيم كرده‌اند:

گروه سنى الف (دوره آمادگى و پيش‌دبستانى)

گروه سنى ب (سه سال اول دبستان)

گروه سنى ج (دو سال پايانى دبستان)

گروه سنى د (دوره راهنمايى)

گروه سنى ه (دوره دبيران)

مضمون اصلى اين كتاب، رعايت بهداشت فردى است. هدف نويسنده اين است كه كودك با خواندن آن آموزش‌هاى لازم را در زمينه مسائل بهداشتى به دست آورد. اين كتاب براى گروه سنى "الف" و "ب" يعنى براى دوره پيش‌دبستانى و سه سال اول دبستان در نظر گرفته شده است. بى‌گمان اين موضوع براى گروه‌هاى سنى هدف، مناسب است.

اندازه کتاب

اندازه کتاب عامل مهمی در انتخاب آن از سوی کودک به‌شمار می‌رود. «کودک بیش‌تر کتابی را خوشایند می‌داند که قابل حمل بوده و نگهداشتن و ورق زدن آن برایش آسان باشد. البته گاهی کتاب‌های خیلی بزرگ یا خیلی کوچک نیز از لحاظ تنوع، توجه او را جلب می‌کند» (فضیلت، ۱۳۸۶: ۳۵). کتاب در حال بررسی، در اندازه ۲۱ × ۲۴ سانتی‌متر در قطع خستی بزرگ عرضه شده است. این کتاب به جهت حجم کم برای کودکان مناسب است. بیش‌تر کتاب‌های کودکان در این قطع چاپ می‌شود.

حجم کتاب

این کتاب در شانزده صفحه مصور طراحی شده که برای گروه سنی مورد نظر مطلوب است زیرا بیش‌تر خوانندگان این کتاب‌ها کودکانی هستند که به‌تازگی توان خواندن مستقل کتاب را یافته‌اند و اگر حجم این مطالب بیش‌تر از توان آن‌ها باشد علاقه و اشتیاق آن‌ها به مطالعه کم می‌شود. کودکان دوست‌دار کتابی هستند که آن را در یک نشست بخوانند به همین دلیل بهتر است حجم کتاب مختصر و مطلوب باشد.

اندازه حروف

«برای کودکان خردسال، تمرکز چشم بر روی اشیاء کوچک دشوار است. از این لحاظ، ممکن است، هماهنگی میان چشمان و دست‌های ایشان ناقص باشد. باید تا حد امکان، ضرورت نگاه کردن کودکان به چیزهای ریز و کوچک را کم‌تر کرد. به همین دلیل، باید کتاب‌های کودکان با حروف درشت نوشته و چاپ شوند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۳۰). متن این کتاب با قلم "تایپ" در اندازه هجده چاپ شده است. اندازه حروف کتاب درشت و

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۳۹

متناسب با توانایی خواندن مخاطبان است. علاوه بر اندازه حروف، فاصله بین سطرها نیز برای خوانندگان خردسال مهم است و در ایجاد خستگی یا تسهیل مطالعه نقشی مؤثر دارد. در کتاب مورد بررسی فاصله سطور ده میلی متر در نظر گرفته شده که این مقدار فاصله برای گروه سنی مورد نظر مناسب است.

نوع کاغذ

«کتاب کودک پدیده‌ای است که از روی جلد تا آخرین صفحه و هم‌چنین پشت جلد آن و حتی اگر روکش داشته باشد با روکش آن در مجموع، یک کتاب را تشکیل می‌دهد و تک تک عناصر تشکیل دهنده آن در جذب خواننده و نگه‌داشتن او با کتاب مؤثر است، پس شکل ظاهری کتاب هم یکی از عواملی است که باید ارزیابی شود» (فزلیاغ، ۱۳۸۳: ۶۷). یکی از عوامل جذابیت کتاب، نوع و جنس کاغذ و صحافی آن است اما این کتاب به دلیل در نظر نگرفتن این ویژگی‌ها جذابیت کم‌تری دارد. جنس کاغذ این کتاب، "تحریر ۷۰ گرمی" است. این نوع کاغذ کیفیت مناسبی ندارد. علاوه بر این، برای جلد کتاب از مقوای "پشت طوسی" استفاده شده که آن هم دوام زیادی ندارد. در کل، کاغذ و صحافی کتاب چندان رضایت‌بخش نیست.

شماره‌گذاری صفحات

یکی از استانداردهای کتاب، دارا بودن شماره برای هر صفحه است. ممکن است کودک به متن یا تصویر یک صفحه، بیش از دیگر صفحات علاقه‌مند باشد و اگر کتاب دارای شماره صفحه باشد، یافتن مطلب مورد نظر او در هر قسمت از آن به‌سادگی انجام می‌گیرد؛ در غیر این صورت هرگونه مراجعه با اتلاف وقت همراه است. در این کتاب صفحات شماره‌گذاری نشده است. علت این امر سهل‌انگاری ناشر یا دست کم گرفتن مخاطبان است که از ارزش کتاب می‌کاهد.

سفیدخوانی

«مقصود از سفیدخوانی آن است که در کتاب‌های گروه‌های سنی "الف" و "ب" و "ج" حجم مطالب هر صفحه کم باشد تا کودک خسته نشود. البته حجم دقیق و استاندارد شده‌ای برای هر صفحه وجود ندارد چون این میزان برای گروه سنی "الف" نیز در مقایسه با گروه سنی "ب" فرق می‌کند و تشخیص آن با توجه به نوع مطالب برعهده عوامل تولید کتاب است. با این حال بهتر است در هر صفحه از کتاب‌های گروه سنی "الف" در حدود سه چهار سطر آورده شود، گروه سنی "ب" چهار پنج سطر و گروه سنی "ج" پنج الی شش سطر. در صورت کوتاه بودن سطرها می‌توان تعداد آن‌ها را افزایش داد. کوتاه و بلند نوشتن سطرها و تغییر فرم پاراگراف‌بندی در ایجاد تنوع و جلوگیری از خستگی کودک مؤثر است» (خسروی، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

در این کتاب در هر صفحه بیش از نه سطر وجود دارد که این میزان برای گروه سنی "الف" و "ب" زیاد است اما با توجه به کوتاهی سطرها و جذابیت موضوع و موزون بودن متن، کم‌تر ایجاد خستگی می‌کند. با این حال اگر مطالب بین صفحات کتاب تقسیم می‌شد، حاصل کار شکل مطلوب‌تری می‌یافت. در شکل فعلی اشکال کار این است که در یک صفحه مطلب و در صفحه مقابل تصویر آورده شده است. اگر مطالب بین تمام صفحات کتاب تقسیم می‌شد، ضمن رعایت سفیدخوانی، امکان افزایش تصاویر نیز وجود داشت.

واژگان پایه

«در آثار کودکان باید به گنجینه لغات آن‌ها توجه داشت چون این گنجینه در سنین مختلف دارای حوزه واژگانی ویژه‌ای است. بنابراین نویسنده باید آشنایی کافی با گنجینه لغات ذهنی هر مقطع سنی داشته باشد که البته عوامل متعددی موجب تفاوت‌های فردی در قلمرو زبان و زبان‌آموزی می‌شود از قبیل زمان (عصر)، مذهب و تفکر حاکم بر جامعه،

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۴۱

موقعيت جغرافيايى کشور، وضعيت اجتماعى و خانوادگى کودک، وضعيت اقتصادى و شغل والدين، باسوادى و بى سوادى افراد خانواده، روستايى و شهرى بودن، امکانات و رسانه هاى جمعى (روزنامه، راديو، تلويزيون، مجله...) در سنين خردسالى (سه تا چهار سالگى) تا حد امکان نبايد از کلمات، در شکل مجازى و استعارى آنها استفاده کرد بلکه بايد از کلماتى که معناى صريح و روشن و عينى داشته باشد بهره برد» (اکبرى، ۱۳۸۳: ۳۱). در آثار نويسندگان يا شاعران بايد اين محدوديت درک معانى لغات رعایت شود. در کتاب "حسنى نگو يه دسته گل"، تعدادى از لغات کتاب، براى گروه هاى سنى هدف (الف و ب) به خصوص در جوامع شهرى قابل فهم نيست؛ از جمله: سه پايه، کدخدا، حلقه زدن، يورتمه و يال:

«تنها روى سه پايه / نشسته بود تو سايه» (احترامى، ۱۳۸۲: ۲).

«کره الاغ کدخدا / يورتمه مى رفت تو کوچه ها» (همان: ۴).

«يالت بلند و پرمو / دُمبت مثالِ جارو» (همان).

«با فلفلى با قلقلى با مرغ زرد کاکلى / حلقه زدن دور حسن» (احترامى، ۱۳۸۲: ۱۴).

دانستنى هاى پايه

«اصطلاح دانش پايه به ميانگينِ اطلاعاتِ يک گروه سنى گفته مى شود. شاعر يا نويسنده کودکان و نوجوانان بايد از ميانگينِ اطلاعاتِ مخاطبانش آگاه باشد تا اثرى متناسب با سطح آگاهى هاى آنها خلق کند. اگر معنا و مفهوم اثرى پايين تر از دانش مخاطب باشد، بچگانه انگاشته مى شود و اگر معنا و مفهوم اثر، فراتر از دانش مخاطب باشد، آن اثر خوانده يا فهميده نمى شود» (گودرزى، ۱۳۸۷: ۳۶). دانستنى هاى پايه اين کتاب در مورد رعایت بهداشت فردى است که در حدّ معلومات گروه سنى مورد نظر پايه ريزى شده و خواننده به راحتى مفهوم مورد نظر را درک مى کند.

تصویرگری

«نقش اصلی تصاویر (به جز نقش تزئینی که شاید ساده‌ترین نقش و کاربرد آن‌ها باشد) انتقال افکار، مفاهیم، اندیشه و کمک به هرچه ساده‌تر کردن درک مخاطب از موضوع است» (حسن‌پور، ۱۳۸۸: ۴). کتاب‌های تصویری یا کتاب‌هایی که در آن‌ها تصویر مکمل متن است از کشش و جذابیت بیش‌تری برخوردارند. در کتاب مورد بررسی تصاویر بسیار جالب و جذاب است در حدّی که به عبارات و کلمات جذابیت بخشیده و کودک می‌تواند با استفاده از این تصاویر خیال‌پردازی کند. ضمناً تصاویر هر صفحه با مطالب آن صفحه سازگار و هماهنگ است؛ رنگ‌آمیزی خوبی دارند و کودک را به سمت خود می‌کشاند. هم‌چنین تصاویر در تمام کتاب به یک اندازه است؛ به دیگر سخن تصویرها یک‌دست و هماهنگ و از لحاظ کوچک و بزرگی متناسب است. تصویر روی جلد کتاب نیز با موضوع آن ارتباط دارد.

تناسب موضوع با سن مخاطب

«بدیهی است که هر موضوعی مناسب داستان‌های کودکان و نوجوانان نیست. دو عامل عمده، موضوع داستان‌های کودکان و نوجوانان را محدود می‌کند، یکی ساختار ذهنی کودکان و دیگری تجربه کودک از زندگی است. موضوع‌هایی که برای داستان‌های کودکان و نوجوانان انتخاب می‌شود، رابطه مستقیمی با سن آن‌ها دارد. موضوع‌هایی که برای کودکان زیر دبستان پیش‌بینی می‌شود، موضوع‌هایی است که ملموس بودن، برجسته‌ترین ویژگی آن‌ها است» (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). هدف این کتاب آموزش است و از طریق شعر به کودکان می‌آموزد که چگونه می‌توانند بهداشت فردی خود را رعایت کنند. کودکان به شعر و قصه، به ویژه قصه منظوم، علاقه فراوانی دارند و می‌توان برای بیان

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۴۳

مسائل و نکات تربیتی از این قالب‌ها بهره جست. بنابراین محتوای این کتاب برای گروه سنی "الف" و "ب" مناسب است. مزیت دیگر این روش، آموزش غیرمستقیم است و همگان بر این باورند که این نوع آموزش برای کودکان مؤثرتر است.

سبک و شیوه نگارش

بسیاری از نوجوانان و جوانان در کودکی این کتاب را خوانده‌اند. کم‌تر کسی را می‌توان شناخت که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با این کتاب ارتباط برقرار نکرده باشد. یکی از موفق‌ترین تألیفات منوچهر احترامی همین کتاب است. دلیل آن را می‌توان سبک نگارش خوب آن دانست. منظور از سبک، شیوه و روشی است که خالق اثر برای نگارش آثار خویش به کار می‌برد. برای نوشتن یک اثر خوب، داشتن تجربه در باب موضوع شرط مهمی است، ولی تسلط به زبان، شرط اول به‌شمار می‌رود. زبان این کتاب، ساده و هم‌سطح درک و فهم کودک و عاری از کلمات منسوخ و بیگانه است. هرچند برخی از واژه‌ها چنان‌که گفته شد برای برخی از مخاطبان دیرفهم هستند ولی تعداد کم آن‌ها و امکان کشف معانی آن‌ها باعث می‌شود که این کتاب را عاری از الفاظ مهجور و بیگانه بدانیم.

همان‌طور که در ابتدای مقاله گفته شد، احترامی طنزپرداز مشهوری است که از تخصص خود در آثارش بهره جسته است. به عنوان مثال: «دور شدن حیوان‌های ده از حسنی به علت شلخته بودنش و جمله‌هایی مثل آنچه از دهان الاغ بیرون می‌آید، آن‌جایی که می‌گوید: "باید برم بار بیارم، دیرم شده عجله دارم". همین گفتن کار دارم در مورد بار بردن، یا جایی که بعداً به حسنی می‌گوید: "کاری اگر نداری، بریم الاغ سواری"، در حالی که اوست که باید به حسنی سواری بدهد» (ظریفی، ۱۳۸۳: ۱۰).

در عبارات زیر احترامی از طنز کلامی استفاده کرده و تمیز بودن حیوان را در مقابل کثیف بودن انسان به تصویر کشیده است:

«غازه پرید تو استخر / تو اردکی یا غازی؟ / من غاز خوش‌زبانم / میای بریم به بازی؟ / نه جانم / چرا نمیای؟ / واسه این‌که من، صبح تا غروب، میون آب / کنار جو، مشغول کار و شست و شو، اما تو چی؟» (احترامی، ۱۳۸۲: ۶).

نویسنده در این کتاب از کودکی به اسم حسنی در دهی به نام شلمرود صحبت می‌کند. روستایی که وجود خارجی ندارد. احترامی نام این ده را در بسیاری از آثارش آورده است. شلمرود مکانی ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است و نوعی ناکجاآباد به‌شمار می‌رود.

«توی ده شلمرود / حسنی تک و تنها بود» (همان: ۲).

«توی ده شلمرود / فلفلی مرغش تک بود» (احترامی، ۱۳۸۸: ۱).

تحلیل شعر

الف) بررسی شعر از جنبهٔ زبانی

الف - ۱) استفاده از زبان محاوره‌ای و کلمات مخفف

احترامی برای وزن شعری از زبان محاوره‌ای و کلمات شکسته استفاده کرده؛ او نه تنها در این کتاب بلکه در دیگر آثارش نیز این شیوه را به کار برده است. در شعر کودک و نوجوان این امر جایز نیست زیرا کودک در کتاب‌های درسی خود زبان را به گونه‌ای دیگر آموخته است و در برخورد با کتاب‌هایی که شیوهٔ نگارش آن‌ها محاوره‌ای است دچار دوگانگی و تناقض می‌شود. شعر کودک، زبان معیار کودکان را می‌طلبد و وجود هرگونه انحرافی از هنجار زبان معیار کودکانه باعث می‌شود تا مخاطب نتواند با آن ارتباط برقرار کند؛ مثلاً در نمونه‌های زیر:

"نگاش کنین" به جای "او را نگاه کنید"، «قلقلی گفت: نگاش کنین» (احترامی،

"باهاش" به جاي "با او"، «هيچ كس باهاش رفيق نبود» (همان: ۲).

"يالت" به جاي "يال تو" و "دمبت" به جاي "دم تو"، «يالت بلند و پرمو / دمبت مثال

جارو» (همان: ۴).

و: با چشم گريون، اومد تو ميدون، در وا شد، اومد اومد، ميون آب، خونه تون، تو را به

خدا، مياين، بازي كنين، مي ريم، مي خوام.

استفاده از كلمات محاوره‌اي و شكسته در ديگر آثار احترامى:

«با دندوناي تيز اومد / با چشماي خونريز اومد» (احترامى، ۱۳۸۳: ۲).

«دس كوچولو، پا كوچولو / پشم تنش كر ك هلو» (احترامى، ۱۳۸۴: ۲).

الف - ۲) به كار بردن كلمات مهمل

كودكان از كلمات مهمل به دليل آهنگ و ريتمي كه دارند لذت مي برند زيرا صداها و

آهنگ كلمات و تجانس حروف را دوست دارند و آنها را بهتر به خاطر مي سپارند. به

عنوان مثال:

«جوجه كوچولو، كوچول موچولو / مياي با من بازي كني؟» (احترامى، ۱۳۸۲: ۸).

«جوجه ريزه ميزه / ببين چقدر تميزه؟» (همان).

«حسنى نگو يه دسته گل / تر و تميز و تيل و ميل» (احترامى، ۱۳۸۲: ۱۲).

الف - ۳) آوردن كلمات مترادف

يكي از مطلوب ترين شيوه‌ها براي ياد دادن كلمات و واژه‌ها، آوردن كلمه همراه با

مترادف آن است اين كار باعث مي شود معنای كلمه آسان تر در ذهن جاي بگيرد. در بيت

زير تك و تنها را به دنبال هم آورده است.

«توي ده شلمرود / حسنى تك و تنها بود» (همان: ۲).

ب) جنبه‌های بلاغی شعر

ب - ۱) تشبیه

تشبیه، ساده‌ترین روش برای تصویرآفرینی است، تصویرهایی که با کمک "تشبیه" برای کودکان ایجاد می‌شود، مناسب و قابل درک است. مخصوصاً اگر برگرفته از دنیای فکری و ذهنی او باشند. در بیت زیر "دُم کره الاغ" را به "جارو" تشبیه کرده که تصویری کودکانه و تشبیهی قابل فهم و ساده است. "دُم" مشبه و "جارو" مشبه‌به است و هر دو طرف تشبیه از امور محسوس به‌شمار می‌روند. این تشبیه، تشبیه مجمل است زیرا وجه‌شبه در آن ذکر نشده است. «تشبیهی که وجه‌شبه در آن یاد نشده باشد، و ضمناً ذهن مستقیماً متوجه آن شود، بی‌گمان رساتر و پرتأثیرتر است، زیرا لذتی که ذهن از مسأله تشبیه و دیگر صورت‌های خیالی می‌برد، کم و بیش از نوع لذتی است که در کشف و حل مشکلات حاصل می‌شود و هنگامی که ذهن کوشش خود را انجام داد و به نتیجه رسید لذتی خاص می‌برد، البته در صورتی که وجه‌شبه ذکر شود، این کوشش چندان کوششی به حساب نمی‌آید بلکه نوعی ارائه مستقیم خواهد بود» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۶: ۷۰).

«الاغ خوب نازنین / سر در هوا / سُم بر زمین / یالت بلند و پر مو / دمبت مثال جارو»

(احترامی، ۱۳۸۲: ۴).

ب - ۲) تناسب

«صنعت تناسب و مراعات‌النظیر از لوازم اولیه سخن ادبی است، یعنی در مکتب قدیم اصل ادب فارسی، سخن نظم و نثر، وقتی ارزش ادبی پیدا می‌کند که مابین اجزای کلام تناسب و تقارب وجود داشته باشد» (همایی، ۱۳۶۷: ۲۵۹). در بیت زیر روی، موی و ناخن با هم مراعات‌النظیر یا تناسب دارند و با استفاده از اصوات "واه واه واه" ناپسند بودن

موضوع را برای کودک به تصویر کشیده است.

«موى بلند، روى سپاه، ناخن دراز، واہ واہ واہ» (احترامى، ۱۳۸۲: ۴).

ب - ۳) سیاقه‌الاعداد

نویسنده با به کار بردن آرایه سیاقه‌الاعداد، در زبانی ساده و روان به شعر تحرک و زیبایی بخشیده است.

«الاغ و خروس و جوجه غاز و ببعی / با فلفلی با قلقلی با مرغ زرد کاکلی / حلقه زدن دور حسن» (همان: ۱۴).

ب - ۴) تضاد

شاعر در نمونه‌های زیر کلمات ضدیکدیگر را آورده است.

«حسنى نگو بلا بگو / تنبل تنبلا بگو» (همان: ۲).

«الاغ خوب نازنین / سر در هوا، سم بر زمین» (همان: ۴).

در بیت زیر تصویری از افراد تمیز را نشان داده که در کنار حسنی دو وضعیت متضاد از دو گروه افراد تمیز و کثیف جلوه گر شده و از روشی غیرمستقیم به کودکان نشان می‌دهد که یک بچه تمیز محبوب همگان است ولی بچه کثیف طرد می‌شود.

«فلفلی گفت: من و داداشم و بابام و عموم / هفته‌ای دوبار می‌ریم حموم» (همان: ۱۰).

پ) موسیقی شعر

این داستان در قالب شعر آزاد (نیمایی) سروده شده و در آن از روش قافیه‌بندی مثنوی (الف الف / ب ب) استفاده شده است.

«توی ده شلمرود، حسنى تک و تنها بود. حسنى نگو، بلا بگو، تنبل تنبلا بگو، موى

بلند، روی سیاه، ناخن دراز، واه واه واه.

نه فلفلی، نه قلقلی، نه مرغ زرد کاکلی،

هیچکس باهاش رفیق نبود. تنها روی سه پایه، نشسته بود تو سایه. باباش می‌گفت:
حسنی می‌ای بریم حموم؟ نه نیام، نه نیام سرتو می‌خوای اصلاح کنی؟ نه نمی‌خوام، نه
نمی‌خوام» (همان: ۲).

پ - ۱) وزن شعر

«مهم‌ترین عامل و مؤثرترین نیروها از آن وزن است چرا که تخییل یا تهییج عواطف بدون وزن کم‌تر اتفاق می‌افتد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۴۷). منوچهر احترامی می‌گوید: «متن کتاب حسنی و کلاً همه کتاب‌هایی که به این سبک نوشته شده، را با وزن ترانه‌ای یا غیر عروضی ایرانی ساختم. در واقع متن ریتمیک و با فرم هجایی و سیلابیک است و به همین خاطر خوب در کلام می‌نشیند» (ده‌بزرگی، ۱۳۸۷: ۶۵). وزن ابیات این کتاب به ریتم صدهای کوتاه و ساده موجود در طبیعت و محیط پیرامون کودک نزدیک است به همین دلیل برای او دلچسب و جذاب است، مثلاً:

«قد قد قدا / برو خونتون، تو رو به خدا» (احترامی، ۱۳۸۲: ۸). «خروسه می‌گفت:
قوقولی قوقو، قوقولی قوقو» (همان: ۱۴).

پ - ۲) قافیه

«قافیه شعر کودک با دو کارکرد به خدمت گرفته می‌شود؛ [در شعر کودک] هم، کارکرد وزنی قافیه و هم جنبه استقلال بخشی آن به مصرع و بیت، مدنظر قرار می‌گیرد؛ منظور از استقلال بخشی، اعلام پایان عبارت شعری توسط قافیه است. از قافیه‌ها به گونه‌ای استفاده می‌شود که فاصله زیادی بین آن‌ها پدید نیاید؛ یعنی این‌که، طول مصرع‌ها را کوتاه می‌کنند

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۴۹

تا زنگ موسيقايى قافيه بيش تر احساس شود» (باقى نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶۵). نويسنده در اين كتاب و در ديگر آثارش كوشيده تا قافيه را رعايت كند. قافيه يك اصل مهم در شعر او به حساب مى آيد.

«تو اردكى يا غازى؟ / من غاز خوش زبانم / مياى برىم به بازى؟ / نه جانم» (احترامى، ۱۳۸۲: ۶).

«در وا شد و يه جوجه / دويد و او مد تو كوجه» (همان: ۸).

«الاغ خوب نازنين / سر در هوا، سم بر زمين / يالت بلند و پرمو، دمبت مثال جارو» (همان: ۴).

پ - ۳) ردیف

احترامى كوشيده تا در بيش تر آثارش علاوه بر قافيه، ردیف نیز به كار ببرد. به دليل تأثير موسيقايى ردیف اثرگذارى شعر بيش تر مى شود و به خصوص براى حفظ كردن آسان تر است. «ردیف، در غنا بخشيدن به موسيقى شعر، گاه با كلمات ديگر بيت همسانى دارد. اين هماهنگى ها، هم حروفى و هم صدايى را در بيت ايجاد مى كند و آهنگ شعر بسيار زيباتر مى شود» (محسنى، ۱۳۸۲: ۴۸). در نمونه زير تكرر صامت "ن" و "ب" اين هم حروفى را پديد آورده است:

«حسنى نگو بلا بگو / تنبل تنبلا بگو» (احترامى، ۱۳۸۲: ۲).

نتیجه

منوچهر احترامى شاعرى است كه سال ها در حوزه ادبيات كودك و نوجوان فعاليت داشت و چندين كتاب شعر و داستان براى گروه هاى سنى مختلف به چاپ رساند. با توجه به اين كه هر گروه سنى، از خردسالان تا نوجوانان، هر كدام احساسات، خواسته ها، اندیشه ها و تمايلات خاص خود را دارند، اين شاعر و نويسنده توانا جزو كسانى

به حساب می‌آید که در ایجاد ارتباط با گروه‌های سنی کودک و نوجوان موفق بوده زیرا با دنیای آنان آشنایی داشته و تصویری روشن از مخاطبان خود پیش چشم داشته است. این شناخت کامل از مخاطبان، در سروده‌ها و نوشته‌هایش از جمله کتاب "حسنی نگو یه دسته گل" به خوبی مشهود است.

نویسنده در این داستان موضوعی را انتخاب کرده که با نیازهای گروه سنی هدف، کاملاً تناسب دارد: پسر بچه‌ای بهداشت فردی را رعایت نمی‌کند (بحران داستان)؛ به همین دلیل از سوی همه رانده می‌شود و کسی با او بازی نمی‌کند (گره افکنی)؛ و سرانجام پی می‌برد که باید به امر بهداشت اهمیت بدهد تا در جمع دوستان و در بُعدی وسیع‌تر در جامعه پذیرفته شود (فرود داستان و گره‌گشایی).

هدف اصلی ادبیات تعلیمی این است که «خواننده در خصوص مسائل اخلاقی یا سیاسی، نظری خاص پیدا کند یا وضعیت خاصی اتخاذ نماید» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۷۰). احترامی در این اثر توانسته با روش تعلیمی غیرمستقیم - که برای کودکان اثرگذارتر است - موضوعی خاص را به مخاطبان خود آموزش بدهد. اصل داستان این کتاب برگرفته از متل‌های قدیمی است و می‌توان نتیجه گرفت که افسانه‌ها و متل‌ها و کلاً فرهنگ عامه، منبع مناسبی برای ادبیات کودکان است.

تصاویر این کتاب همراه و هماهنگ با سیر داستان پیش می‌روند و در واقع مکمل متن هستند، به گونه‌ای که متن و تصویر دو بخش جدایی‌ناپذیر به نظر می‌آیند. از منظری دیگر تصاویر در تمام قسمت‌های کتاب، شاد، با نشاط و هیجان‌انگیزند و کودک را مجذوب خود می‌کنند.

شاید تنها اشکال عمده‌ای که به این کتاب وارد باشد، استفاده از زبان محاوره‌ای و شکسته است، چون کودکان را در برخورد با شیوه نگارش و رسم‌الخط کتب درسی دچار تناقض می‌کند. همین امر ممکن است از دیدگاهی دیگر نه عیب و نقص، بلکه مزیت

نقد کتاب "حسنى نگو يه دسته گل" ... • دكتور حسين خسروى، سميرا رئيسى • صص ۵۲-۳۱ □ ۵۱

به شمار رود و اين مزيت از آن جاست كه زبان متن با زبان گفتارى - كه كودكان زودتر آن را آموخته اند - قرابت بيش ترى دارد. اين مزيت را به شرطى مى توان پذيرفت كه صرفاً بحث مطالعه اين داستان و موارد مشابه آن در ميان باشد و گرنه مشكل ايجاد دوگانگى در مواجهه با كتاب هاى درسى هم چنان لايحل باقى مى ماند.

از اين موضوع كه بگذريم، كتاب از تمام ويژگى هاى يك اثر ادبى خوب از قبيل: هيجان، عاطفه، احساس، خيال انگيزى و صميميت برخوردار است. مطالب با زبان و تعابيرى ساده عرضه شده و محدوديت هاى ذهنى و تجربى مخاطب مدنظر بوده است. اين كتاب براى گروه سنى مورد نظر كاملاً مناسب است و خواندن آن براى كودكان توصيه مى شود.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. احترامی، منوچهر. (۱۳۸۲). حسنی نگو یه دسته گل. تهران: هنرور.
۲. _____ (۱۳۸۴). حسنی ما یه بره داشت. تهران: هنرور.
۳. _____ (۱۳۸۳). حسنی و گرگ ناقتلا. تهران: هنرور.
۴. _____ (۱۳۸۸). دزده و مرغ فلفلی. تهران: هنرور.
۵. اکبری، فریدون و دیگران. (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان. ج ۳. تهران: آیندگان.
۶. باقری، حمید. (۱۳۸۹). "طنز در ادبیات کودک". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
۷. باقی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۷). تأملی در ادبیات امروز. تهران: کتاب پارسه.
۸. حسن‌پور، محسن. (۱۳۸۸). تصویرسازی. تهران: موسسه فرهنگی فاطمی.
۹. خسروی، حسین. (۱۳۸۹). نگاه نو. شهرکرد: سامان دانش.
۱۰. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۸). ادبیات کودکان. ج ۱۹. تهران: اطلاعات.
۱۱. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی. ج ۹. تهران: آگاه.
۱۲. _____ (۱۳۷۰). موسیقی شعر. ج ۳. تهران: آگاه.
۱۳. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). انواع ادبی. تهران: فردوس.
۱۴. فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). آیین نگارش. تهران: سخن.
۱۵. فضیلت، محمد. (۱۳۸۶). زبان و ادبیات کودک و نوجوان. کرمانشاه: طاق‌بستان.
۱۶. قزل‌ایغ، ثریا. (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
۱۷. گودرزی، محمد. (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان ایران. تهران: قو / چاپار.
۱۸. محسنی، احمد. (۱۳۸۲). ردیف و موسیقی شعر. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۹. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. ج ۲۰. تهران: هما.

ب) مقالات:

۲۰. امینی، اسماعیل. (۱۳۸۷). "لیخندی بر لبان پیر ما" در آیین. اسفندماه ۱۳۸۷.
۲۱. بوستان، اسماعیل. (۱۳۸۶). مقاله "ژانر یا لحن" در خردنامه همشهری. اسفندماه ۱۳۸۶.
۲۲. ده‌بزرگی، هاجر. (۱۳۸۷). "فرهنگ ادب و هنر". سال ۱۷ (پیاپی ۲۰۳)، آذرماه.
۲۳. رهبر، محمد. (۱۳۸۴). مقاله "پیر ما گفت" در شرق. اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۴.
۲۴. ظریفی، سیامک. (۱۳۸۳). "کتاب هفته". ش ۱۹۷. شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۳.
۲۵. قلی‌پور، علی. (۱۳۸۴). مقاله "مهم این است که خود آدم بچه باشد" در فرهنگ آشتی. شهریورماه ۱۳۸۴.